



محاکمه در نیویورک

پس از ریاض نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا در روز شنبه، امروز گذشته در دادگاهی در نیویورک تفهیم اتهام شد. تصاویری از کاروان خودروها در نیویورک منتشر شده که در حال انتقال رئیس‌جمهور سابق ونزوئلا به دادگاه هستند. گفته می‌شود قاضی پرونده او، آلوین هلرستین، قاضی‌فدرال نیویورک‌منصب بیل کلینتون از رؤسای‌جمهور پیشین آمریکا است. دادستان‌ها در ایالات متحده می‌گویند که رئیس‌جمهوری ونزوئلا طیف وسیعی از تولیدکنندگان و قاچاقچیان کوکائین، از نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا (فارک) گرفته تا کارتل‌های سینالوا، رتا و ترن د آراگوامکزیک را تقویت کرده تا از ونزوئلا به عنوان پناهگاهی امن برای قاچاق کوکائین به آمریکا و اروپا استفاده کنند. از سوی دیگر در ونزوئلا، وزیر اطلاع‌رسانی و ارتباطات این کشور از تشکیل یک کمیته پارلمانی ویژه برای آزادی رئیس‌جمهور این کشور و همسرش خبر داد. به گفته او، ریاست این کمیته بر عهده رئیس‌مجلس ملی ونزوئلا خورخه رودریگز، خواهد بود.



حمله به خانه ونس

پلیس آمریکا اعلام کرد که یک مظنون را به خاطر حمله به خانه مسکونی «جی‌دی ونس» معاون دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا و شکستن شیشه پنجره‌های آن، بازداشت کرد. ماموران سرویس مخفی بی‌درنگ پس از مشاهده فردی که در جهت شرق از محل فرار می‌کرد، پلیس را فراخواندند. این حادثه پس از آن رخ داد که محدودیت‌های امنیتی اطراف خانه ونس برداشته شد. پیشتر جاده‌های اطراف خانه بسته بود و ساکنان مجبور به عبور از ایستگاه‌های بازرسی بودند. بر اساس گزارش این رسانه آمریکایی، خانه شخصی ونس در حومه رودخانه اوهایو قرار دارد و از حدود یک میلیون و ۴۰۰ هزار دلار برای این ملک ۲۳ هکتاری پرداخت کرده است. به گفته یک مقام آگاه «خانواده ونس در زمان وقوع حادثه در منزل حضور نداشتند و بر اساس گزارش‌های اولیه، مقام‌ها بر این باورند که فرد بازداشت‌شده وارد خانه معاون رئیس‌جمهوری آمریکا نشده است.» با این حال در این مرحله از این تحقیقات، هنوز مشخص نیست دقیقاً چه اتفاقی رخ داده است.



مذاکره دمشق با اسرائیل

خبرگزاری رسمی سوریه به تأیید از سرگیری مذاکرات با اسرائیل، اعلام کرد که هیئتی بلندپایه از دمشق با هماهنگی و میانجی‌گری آمریکا در گفت‌وگوهای جاری با طرف اسرائیلی مشارکت دارد. هیئتی از دولت شورشیان سوریه به ریاست «اسعد حسن الشیبانی» وزیر خارجه و «حسین السلاسه» رئیس اداره کل اطلاعات شورشیان در دور کنونی مذاکرات با طرف اسرائیلی شرکت کرده است. منبع یادشده در ادامه اشاره کرد که گفت‌وگوها با هماهنگی و میانجی‌گری آمریکا در حال انجام است. منبع مذکور که اشاره‌ای به نام او نشده، گفت که محور اصلی گفت‌وگوها، فعال‌سازی مجدد توافق جداسازی نیروها مصوب سال ۱۹۷۴ است. دمشق خواهان آن است که این روند به عقب‌نشینی نیروهای اسرائیلی به مواضع پیش از خطوط هشتم دسامبر ۲۰۲۴ منجر شود و در چارچوب یک توافق امنیتی متوازن پیش برود. این گزارش در حالی منتشر شده است که منابع غربی و اسرائیلی شب گذشته از برگزاری گفت‌وگوهای غیرعلنی میان اسرائیل و سوریه در پاریس خبر داده بودند؛ مذاکرانی که پس از وقفه‌ای حدود دو ماهه از سر گرفته شده است.

سال ۲۰۲۶ سال پاسخگویی

از دونالد ترامپ تا نتانیاهو، امسال سال درو کردن محصول است



جاناتان فریلند

ستون‌نویس گاردین

این یک تصمیم قطعی برای سال جدید نیست و مطمئناً یک پیش‌بینی هم نیست، در عوض، این را به عنوان یک امید یا حتی یک درخواست برای ۱۲ ماه آینده در نظر بگیرید. باشد که سال آینده، رهبرانی را که به کشورهای خود و فراتر از آن آسیب‌های زیادی وارد کرده‌اند، سرانجام به پای میز محاکمه فراخوانده شوند. بگذارید ۲۰۲۶ سال حسابرسی باشد.

با مردی شروع کنید که به لطف قدرت عظیمی که در اختیار دارد، بیشترین نفوذ را در میان مردم دارد. ماهیت سیستم انتخاباتی ایالات متحده به گونه‌ای است که دونالد ترامپ، که کمتر از یک سال پیش به قدرت بازگشت، ظرف ۱۰ ماه آینده با قضاوت رأی‌دهندگان روبه‌رو خواهد شد. نام او در برکه رأی نخواهد بود، اما اشتباه نکنید، انتخابات میان‌دوره‌ای ۲ نوامبر حکم دومین دوره ریاست‌جمهوری ترامپ را صادر خواهد کرد.

شکست‌های پی‌درپی حزب او در کنگره به سودی خود رضایت‌بخش خواهد بود و او غرور عظیم او را جریحه‌دار می‌کند، اما اهمیت عملی نیز خواهد داشت. کمتر کسی پیش‌بینی می‌کند که جمهوری خواهان کنترل سنا را از دست بدهند؛ جایی که دموکرات‌ها برای به دست گرفتن قدرت باید حداقل چهار کرسی را واگذار کنند؛ که با توجه به جغرافیای ۳۵ کرسی که در ماه نوامبر برای تصاحب در نظر گرفته شده است، تقریباً غیرممکن است. اما، در شرایط عادی، مطمئن‌ترین شرط‌بندی سیاسی این است که مجلس نمایندگان یک سال دیگر در دست جمهوری خواهان نخواهد بود. چنین تغییر جهتی، هاله‌ی شکست‌ناپذیری را که از زمان شکست کاملاً هریس، ترامپ را احاطه کرده و به او اجازه می‌دهد تا چندین نهاد آمریکایی، از جمله بسیاری از رسانه‌های آن را با قلدری و ارباب، وادار به واگذاری قدرتی بسیار بیشتر از آنچه به حق اوست، کند، از بین می‌برد. این امر او را به یک اردک لنگ تبدیل می‌کند که قادر به تصویب قوانین جدید از طریق یک مجلس خصمانه نیست.

مهم‌تر از همه، ترامپ سرانجام با نهادهای روبه‌رو خواهد شد که مشتاق و قادر به پاسخگو کردن او باشند: یک مجلس دموکرات، اشتها و توان لازم برای بررسی جدی عملکرد او را خواهد داشت. با قدرت احضار، این نهاد می‌تواند همه چیز را از هزینه تعرفه‌های ترامپ برای مالیات‌دهندگان آمریکایی گرفته تا الگوی به‌طرز شگفت‌انگیز و بی‌شرمانه‌ای از فساد و سوءاستفاده که از ویژگی‌های این دولت است، بررسی کند و در آستین خود تهدید مداوم محاکمه سوم استیضاح را دارد.

بنابراین، نوامبر واقعه‌ای می‌تواند برای ترامپ حسابرسی به‌همراه داشته باشد، به همین دلیل است که او برای جلوگیری از این نتیجه از هیچ کاری دریغ نخواهد کرد. از این رو، عبارت احتیاطی بالا این است: «در شرایط عادی». ترامپ شرایط را غیرعادی خواهد کرد، اگر این چیزی است که برای حفظ مجلس لازم است. این تلاش در حال حاضر در حال انجام است، چه به شکل نقشه‌های غیرمنصفانه در تگراس یا اقداماتی برای سخت‌تر کردن رأی‌گیری در مناطق دموکرات در سراسر کشور.

نشانه‌های دلگرم‌کننده‌ای از شروع واکنش نهادها وجود دارد؛ شاهد آن تصمیم هفته گذشته دیوان عالی کشور در مورد مهار استقرار نیروهای آمریکایی توسط ترامپ در خیابان‌های شهرهای تحت رهبری دموکرات‌ها هستیم اما این یکی از نبردهای سال ۲۰۲۶ خواهد بود، زیرا رئیس‌جمهور تمام توان خود را به کار می‌گیرد تا از پاسخگویی که شکست پاییزی به همراه خواهد

اگر ایالات متحده
خواهان دسترسی
به مواد معدنی
حیاتی گرینلند
است، می‌تواند از
طریق معاملات
تجاری صادقانه و
سرمایه‌گذاری‌های
مشترک که به
جوامع گرینلندی

سود می‌رساند، به
این هدف برسد.
گرینلندی‌ها موضع
خود را روشن
کرده‌اند: «گرینلند
برای تجارت باز است
اما برای فروش نیست

دیدگاه گرینلندی‌ها

گرینلندی‌ها این را قبول ندارند. در یک نظرسنجی در ژانویه ۲۰۲۵، ۸۵ درصد گفتند که مخالف پیوستن به ایالات متحده هستند، در حالی که ۶ درصد موافق بودند و ۹ درصد مردد بودند. با این حال، اکثر گرینلندی‌ها، حدود ۸۴ درصد، خواهان استقلال از دانمارک هستند، اما تقریباً نیمی از آنها می‌گویند فقط در صورتی که به کیفیت زندگی آنها آسیب نرساند، این کار را خواهند کرد. انتخابات پارلمانی مارس ۲۰۲۵ در گرینلند، پاسخی مستقیم به لفاظی‌های ترامپ به نظر می‌رسید. حزب دموکراتیک راست میانه، که به شدت از ترامپ انتقاد کرده است، پیروز شد. رهبر آن، نینس فردریک نیلسن، ترامپ را «تهدیدی برای استقلال سیاسی ما» خواند. به گفته اولریک پرام‌گاد، کارشناس دانمارکی، نتایج انتخابات نشان داد که گرینلندی‌ها «رانده شده‌اند و تمایلی به تعامل با ایالات متحده ندارند.»

پس از اظهارات ترامپ در روز یکشنبه، نیلسن در بیانیه‌ای گفت: «وقتی رئیس‌جمهور ایالات متحده می‌گوید که «ما به گرینلند نیاز داریم» و ما را به ونزوئلا و مداخله نظامی مرتبط می‌کند، این فقط اشتباه نیست، بی‌احترامی است.»

آیا گرینلند واقعاً یک مسئله امنیت ملی است؟

منافع مشروع امنیتی و اقتصادی آمریکا را می‌توان از طریق همکاری محترمانه بهتر از تصاحب تهاجمی تأمین کرد. به لطف توافق نامه دفاعی گرینلند در سال ۱۹۵۱، ایالات متحده از قبل حقوق نظامی گسترده‌ای در آنجا دارد. این چارچوب به ایالات متحده دسترسی به پایگاه فضایی پیتوفیک (که قبلاً تول نام داشت)، یک منطقه مهم دفاع موشکی را می‌دهد. اما وقتی ترامپ درباره گرینلند صحبت می‌کند، مدام کل جزیره را با پایگاه یکی می‌داند و اصرار دارد که تنها راه امن نگه داشتن پیتوفیک، مالکیت زمین‌های زیر آن است.

نکته مهم این است که استدلال ترامپ برای تصرف گرینلند، سوءتفاهم در مورد امنیت قطب شمال را نشان می‌دهد. وقتی او می‌گوید: «کشتی‌های روسی و چینی همه جا در امتداد ساحل گرینلند هستند»، بخش‌های مختلف قطب شمال را با هم قاطی می‌کند. روسیه و چین کشتی‌هایی را به قطب شمال می‌فرستند، اما آن کشتی‌ها به هیچ وجه نزدیک گرینلند نیستند. آنها در دریاهای بارتنس و برینگ، هزاران مایل دورتر، بسیار دور هستند. گارد ساحلی ایالات متحده با کشتی‌های جنگی، بمب‌افکن‌ها و کشتی‌های گارد ساحلی چینی و روسی که با هم در سواحل آلاسکا فعالیت می‌کنند، مواجه شده است. اینجاست که توجه آمریکا بهتر است وقتی صحبت از امنیت قطب شمال می‌شود، به کار گرفته شود، نه گرینلند.

یک قدم به عقب

به جای تهدید به زور یا اجبار، واشنگتن باید بر معاملاتی تمرکز کند که به نفع هر دو طرف باشد و به حق گرینلند برای حکومت بر خود احترام بگذارد. این به معنای رفتار با دولت گرینلند به عنوان یک شریک است، نه یک جایزه. سرویس اطلاعاتی دانمارک خاطر‌نشان می‌کند که رویکرد غیرقابل پیش‌بینی آمریکا، کشورها را به سمت قطع معاملات با چین سوق می‌دهد. از قضا، تلاش ترامپ برای خرید گرینلند برای مقابله با چین می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد و پکن را در مقایسه با تهدید وجودی واشنگتن، شریکی پایدارتر و معقول‌تر جلوه دهد. دولت باید صحبت از الحاق را کنار بگذارد. در عوض، باید در چارچوب توافق نامه‌های فعلی عمل کند، از اهداف توسعه‌ای خود گرینلند حمایت کند و نشان دهد که آمریکا با ایجاد مشارکت‌های قوی، نه با صدور اوتلیت‌ما، رهبری می‌کند.

اگر ایالات متحده خواهان دسترسی به مواد معدنی حیاتی گرینلند است، می‌تواند از طریق معاملات تجاری صادقانه و سرمایه‌گذاری‌های مشترک که به جوامع گرینلندی سود می‌رساند، به این هدف برسد. گرینلندی‌ها موضع خود را روشن کرده‌اند: «گرینلند برای تجارت باز است اما برای فروش نیست.»

سواران خشن خود به بالای تپه سن خوان بود. این تپه در کوبا قرار داشت.

کوبا در اول ژانویه ۱۹۵۹، زمانی که فیدل کاسترو قدرت را در این جزیره به دست گرفت، دوباره در رادار واشنگتن ظاهر شد. رژیم کمونیستی کاسترو با اتحاد جماهیر شوروی متحد شد که به عملیات کوبا در حمایت از شورشی‌های مارکسیستی در آمریکای مرکزی و جنوبی کمک می‌کرد.

اما کوبای کاسترو، به دلیل نزدیکی به ایالات متحده، مستقیماً واشنگتن را نیز به چالش کشید. در اوج رقابت ایالات متحده و شوروی، آنچه مانع از جنگ هسته‌ای می‌شد، مفهوم نابودی متقابل بود: موشکی که از یک قلمرو به سمت قلمرو دیگر پرتاب می‌شد، قبل از برخورد، زمان کافی برای شناسایی و شلیک تلافی جویانه داشت. با این حال، وقتی شوروی

سلاح‌های هسته‌ای را به کوبا منتقل کرد، از نظر تئوری (با موشک‌های کافی) توانایی نابودی ایالات متحده را قبل از اینکه بتواند تلافی کند، به

دست آورد و توانایی پاسخ متقابل آمریکا را تضعیف کرد. این نزدیک‌ترین

چیزی بود که جهان تا به حال به جنگ هسته‌ای نزدیک شده بود.

بنابراین، کابوس واشنگتن، اتحاد یک رژیم کوبایی با یک دشمن اصلی ایالات متحده بود. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به نظر می‌رسید که به این کابوس پایان داده است، اما تا حدی دوباره زنده شد، زمانی که روسیه

به اوکراین حمله کرد و در سال ۲۰۲۵، توافق نظامی خود را با کوبا تمدید کرد. با توجه به اینکه سلاح‌های ایالات متحده از دفاع اوکراین پشتیبانی می‌کنند، یک اقدام منطقی روسیه این است که سلاح‌های جدید و خطرناک‌تر (البته جه هسته‌ای) را به کوبا عرضه کند.

از این نظر، کوبا و اوکراین به دلیل نزدیکی به ایالات متحده و روسیه، تا حدی معادل جغرافیایی هستند. همانطور که اوکراین مسلح به غرب تهدیدی برای روسیه است، کوبای مسلح به روسیه نیز تهدیدی برای ایالات متحده

